

حسین علیشاپور از حضور در جشنواره موسیقی فجر و چالش‌های پیش روی این رویداد می‌گوید؛

# سایه‌دودستگی بر سر یک جشنواره

جشنواره غیر رقابتی خودش دستاورد است، دنبال چیز دیگری نباشید!



عکس: امیر حسین هوشیاری

گرفته تا دکتر حسین عمومی و صدیق تعریف، نمایانگر بخشی از کوشش‌های اوست. علیشاپور در کنار هنرمندان مطرحی همچون کیهان کلهر، حمید متبسم و مسعود شعاری به روی صحنه رفته و با هادی منتظری، نوازنده مطرح کمانچه هم همکاری و هم‌نشینی دارد. در کارنامه فعالیت‌های گذشته‌اش، برگزاری کنسرت‌های پژوهشی و حضور در اپرای شمس و مولوی هم جای درخوری دارد. نوآوری مسئولانه، هم‌راه آواز خواننده‌ای است که محضر زنده‌یاد نورالدین رضوی سروستانی را هم درک کرده است. آوازخوان ۴۳ ساله، در مسیر پیش رویش همراهانی هم دارد. سیامک جهانگیری، آهنگساز موسیقی ایرانی و نوازنده‌نی یکی از آنهاست.

جشنواره سی و سوم فجر بنیادست زمینه‌ساز همکاری دوباره جهانگیری و علیشاپور باشد. بر اساس اعلام مسئولان جشنواره امسال، تالار رودکی ساعت ۲۱:۳۰ جمعه ۲۹ دی‌ماه شاهد اجرای آلبوم «تنها» توسط گروه «هم‌نوازان دلگشا» به سرپرستی سیامک جهانگیری و آواز حسین علیشاپور خواهد بود. آلبومی که در سال ۱۳۹۰ منتشر شد اما تا امروز مجال برای اجرای کنسرتش فراهم نبود. علیشاپور با ماست تا از حضور در جشنواره موسیقی فجر بگوید. شرح این گفت‌وگو در ادامه آمده است:

در شرایط حاضر کمتر شنیده می‌شوند و هم رادیو و تلویزیون نسبت به آن‌ها کم‌توجه است و هم در بیشتر روزنامه‌ها و رسانه‌ها کمتر به آن‌ها پرداخته می‌شود، به نظر من ایجاد این بخش، از نظر سیاست‌گذاری، کاری قابل قبول است، البته باید بگویم که آلبوم «تنها» هیچ‌گاه به کنسرت گذاشته نشده و این بار نخست است که من و آقای جهانگیری با هم به روی صحنه می‌رویم.

■ به موضوع کلان‌تر جشنواره بازگردیم. اساساً چه دستاوردهایی را به‌صورت بالقوه می‌توان در برگزاری چنین رویدادی جست‌وجو کرد و در حوزه عمل تا آن نقطه جقدر فاصله داریم؟ به نظر می‌رسد جشنواره فجر بیش از آنکه یک فستیوال موسیقی باشد مجموعه‌ای است از کنسرت‌ها. آیا این مسیر درست است؟



دعوت شده‌ام تا تجربیات خودم را با دیگران تقسیم کنم. آن چه در این جشنواره اجرا می‌کنم، مانند هر کنسرت دیگری است و در کنسرت‌های دیگر هم، من تجربیاتم را در اختیار تماشاگر می‌گذارم و برایش آواز می‌خوانم. تنها تفاوت این است که چون، این یک فستیوال بین‌المللی است، قاعدتاً باید بیشتر و بهتر تمرین کرد و کاری در اندازه اعلام‌شده داد.

■ رپرتواری که برای اجرا انتخاب شده هم البته باعث می‌شود در طرح سؤال بالا پافشاری بیشتری داشته باشیم. مگر انتظار ما از هنرمندان حاضر در یک جشنواره اجرای کارهایی است که پیش از این به صورت آلبوم یا کنسرت شنیده شده؟ البته که این وجه در هیچ‌کدام از اجراهای جشنواره لحاظ نشده اما چون می‌دانم برای حضور در هر رویدادی دلایلی دارید می‌خواهم پرسسم چرا آلبوم «تنها» رپرتواری شد برای حضور شما در همراهی با آقای سیامک جهانگیری و هم‌نوازان دلگشا؟

در این جشنواره بنیادست که به عنوان یک تم، چند آلبوم و ویژگی‌های موسیقی سنتی ایران را در حد قابل قبولی دارا هستیم، به اجرای زنده بروند، همین تم هم برای این دوره از جشنواره تعریف شده است، همان‌گونه که سال گذشته چاووش‌ها اجرا شدند. اتفاقاً به دلیل این که آثار موسیقی سنتی

ببینید! من به‌طور کلی نمی‌دانم چرا همگان در پی این سؤال هستند که بدانند جشنواره چه دستاوردی دارد؟ چه جشنواره موسیقی کلاسیک و چه جشنواره فجر، هر دو جشنواره‌هایی غیررقابتی هستند، بدون این که وارد مباحث کمی و کیفی جشنواره شوم باید بگویم که این گونه جشنواره‌ها، یعنی جشنواره‌های غیر رقابتی، خودشان دستاورد هستند. محمل گردهمایی موسیقی‌دانان ایران و برخی کشورهای دیگر و تماشایی‌هایی که می‌خواهند ایامی از سال به طور سیستماتیک، ژانرهای مختلف موسیقی را بشنوند. به نظر من شما مباحث مربوط به اثرمندی یا دستاوردها را باید در موسمی دیگر و در شرایط دیگری بررسی کنید.

■ به هر حال فارغ از موافقت شما یا نگاه من، پرسش اصلی اینجاست که آیا جشنواره موسیقی فجر توانسته به آن چه زبیده مهم‌ترین جشنواره موسیقایی یک کشور است (دستکم در مقام سخن) برسد؟ آیا همان ژانرهای مختلفی که در توضیح شما هم به چشم می‌خورد به نسبت شرایط جشنواره مورد توجه قرار گرفته‌اند؟

مسئلاً جشنواره موسیقی فجر توانسته است به آنچه درخور و شأن موسیقی ایران است، برسد. دلایل عمده‌ای برای این ماجرا وجود دارد. اولاً که دو دستگی بر سر حضور یا عدم حضور در این فستیوال بین هنرمندان موسیقی هست و این خودش بخشی از درخشندگی لازمه یک رویداد هنری را از بین می‌برد. دوم آن که این جشنواره دبیرخانه و ستاد دائمی ندارد که در طول سال بتواند هماهنگی‌های بهتر را برای جمع کردن هنرمندان انجام دهد و بیشتر امور در یک ماهه مانده به جشنواره برگزار می‌شود. سوم آن‌که به عنوان یک جشنواره بین‌المللی، پول کافی به آن تخصیص داده نمی‌شود و البته ریشه تمام دردها در همین بی‌پولی‌ست.

■ در چنین شرایطی سؤال مهمی که برای خود من ایجاد می‌شود آن است که دلیل حضور کسی چون شما در جشنواره فجر چه چیزهایی می‌تواند باشد؟ اصلاً بنیادست حضور در این رویداد چه تجربه جدیدی به شما بدهد؟

قرار نیست جشنواره به من تجربیات تازه‌ای بدهد؛ اگر چه من خود من یادگیری در هر شرایطی‌ست، اما من به جشنواره

جشنواره، در آن حضور داشتم و مرتبه اول با تار محمد آدینه و امسال با سنتور کاوه شفیعی به اجرای پداده ساز و آواز پرداختم. به هر حال در این شرایط که کمتر کسی به حوزه‌های کلاسیک موسیقی می‌پردازد، بودن این جشنواره، غنیمت است. لاف‌ل می‌خورم فضا محملی‌ست تا ریشه‌های موسیقی هوایی تازه کنند.

■ به لحاظ اثرگذاری برگزاری جشنواره موسیقی کلاسیک و البته جشنواره موسیقی فجر که دومی‌سی‌وچند سالی است برگزار می‌شود همچنان محل سؤال است. از منظر یک خواننده آواز ایرانی این دو رویداد را باهم قابل مقایسه می‌دانید؟

■ جشنواره موسیقی کلاسیک ایرانی امسال دومین دوره خود را پشت سر گذاشت و شما هم در آن جشنواره حضور داشتید. حضور در جشنواره‌ای تا این حد تخصصی برای خود شما چطور تجربه‌ای را رقم زد؟

این جشنواره، جشنواره‌ای است تخصصی تحت این مفهوم که چه در حوزه تکنوازی، چه در حوزه گروه نوازی و یا ساز و آواز، آنچه توسط هنرمندان حاضر ارائه می‌شود، مطابق با تعاریف سنتی موسیقی ایرانی‌ست. نغمات، ایرانی‌ست و حصول سادگی و زلالی موسیقی دستگاهی ایران برای هنرمندان حاضر در این جشنواره مدنظر بوده است. من طی اولین و دومین دوره این

«محسن احتشامی» از کارگردانی نخستین «گیم تئاتر» ایرانی می‌گوید

## هفت آسیب اولویت‌دار در نمایش غیر منتظره



ما می‌کنم که این کار را نکرده‌ایم. وقتی کار را دیدیم این سؤال ایجاد شد که چه طور به این ترکیب از آسیب‌ها رسیدیم؟ چرا ۴ یا ۶ آسیب را انتخاب نکردید؟ احتمالاً همه می‌دانند که ما آسیب‌های زیادی در کشور داریم و هر کدام از این آسیب‌ها هم معضلات فراوانی برای کشور ایجاد کرده‌است، بنابراین همه آسیب‌ها را نمی‌توان در یک نمایش جا داد. به همین دلیل ما دست به انتخاب زدیم. در یک تقسیم‌بندی گفتیم دو نوع آسیب اجتماعی

مهم‌ترین موضوعی که در این میان باید ذکر شود این است که این نمایش به هفت آسیب اجتماعی می‌پردازد و از این منظر در فضایی که برخی نمایش‌ها برای خندانند تماشاگر ساخته می‌شود تا حواس او را از مسائل اصلی دور کند، قابل توجه است.

محسن احتشامی کارگردان این نمایش آن طور که به «همدلی» گفته، می‌خواهد در کارهای بعدی‌اش این شیوه را با ابعاد بزرگ‌تری اجرا کند. او طی دو دهه گذشته، نمایش‌های زیادی را کارگردانی کرده و البته چند صبا‌حی هم به دلیل گرفتاری‌های روزمره از این حوزه دور بوده است. با او به گفت‌وگو نشستیم و از حال و هوای نمایش‌اش صحبت کردیم. محصول این گپ و گفت، در ادامه آمده است:

نشده را تجربه کند و به این نتیجه رسیدم که این شیوه همان است که می‌خواهم.

■ آن‌طور که در سابقه گیم تئاتر هست، تماشاگر با بازیگر وارد بازی می‌شود و اگر اشتباهی انجام دهد راهی در نظر گرفته شده که از بازی خارج شود، مثل «گیم اور» شدن؟

بله در گیم تئاترهای دنیا که گاهی بسیار وسیع و با امکانات خیلی گسترده ساخته می‌شوند، این امکان وجود دارد ما هم از آن دور، هفت اتاق را در نظر گرفتیم که دو اتاق مجاور، با تعبیه یک در، به هم راه دارند، و در هر کدام درباره معضلات یکی از آسیب‌های اجتماعی نمایشی کوتاه، اجرا می‌شود. شما به‌عنوان تماشاگر وارد یکی از این اتاق‌ها می‌شوید و بازیگر داستانی را برای شما بازگو می‌کند. تماشاگر می‌تواند یک طرف این داستان باشد و با بازیگر وارد بازی شود. داستان که تمام شد، تماشاگر از اتاق خارج می‌شود و به اتاق بعدی



نشده را تجربه کند و به این نتیجه رسیدم که این شیوه همان است که می‌خواهم.

■ آن‌طور که در سابقه گیم تئاتر هست، تماشاگر با بازیگر وارد بازی می‌شود و اگر اشتباهی انجام دهد راهی در نظر گرفته شده که از بازی خارج شود، مثل «گیم اور» شدن؟

بله در گیم تئاترهای دنیا که گاهی بسیار وسیع و با امکانات خیلی گسترده ساخته می‌شوند، این امکان وجود دارد ما هم از آن دور، هفت اتاق را در نظر گرفتیم که دو اتاق مجاور، با تعبیه یک در، به هم راه دارند، و در هر کدام درباره معضلات یکی از آسیب‌های اجتماعی نمایشی کوتاه، اجرا می‌شود. شما به‌عنوان تماشاگر وارد یکی از این اتاق‌ها می‌شوید و بازیگر داستانی را برای شما بازگو می‌کند. تماشاگر می‌تواند یک طرف این داستان باشد و با بازیگر وارد بازی شود. داستان که تمام شد، تماشاگر از اتاق خارج می‌شود و به اتاق بعدی

به چه شیوه‌ای باید کاری را انجام داد تا تکراری نبوده و دغدغه‌مند هم باشد. چون برای من مهم بود که کارم دغدغه داشته باشد چون خودم دغدغه‌های اجتماعی دارم. کارها را که مرور می‌کردم، دیدم کاری در قالب گیم تئاتر تا حالا در ایران ساخته نشده است و نمایشی نداشته‌ایم که یک تماشاگر و یک بازیگر در فاصله‌ای خیلی کم در حد یک متر از هم حضور داشته باشند. می‌خواستیم تماشاگران ایرانی هم این شیوه را تجربه کنند.

■ به نظر می‌رسد هم تماشاگر و هم بازیگران و حتی کارگردان و همه در این نمایش در تجربه‌ای جدید، حاضر می‌شوند؟

بله کاملاً درست است. در غیر منتظره هم تماشاگران تئاتر، تجربه جدیدی پیش رو دارند و هم عوامل حاضر در تهیه و تولید کار. خود من دوست داشتم این شیوه را اجرا کنم چون از اساس معتقدم آدم باید کارهای نو و انجام

■ از آغاز برای آشنایی مخاطب، کمی درباره کارهایی که انجام داده‌اید صحبت کنیم...

بله؛ من از اواخر دهه ۶۰ وارد کار نمایش شدم و در این مدت حدود ۱۵ کار را کارگردانی کرده‌ام، دستگیری شروع کرد و بازیگر و نویسنده تعداد زیادی از کارها هم بوده‌ام. در این میان کار صنفی هم انجام داده‌ام. بخشی از کارهایم هم در حوزه کودکان و نوجوانان بوده.

■ از کار بسا کودکان گفتید و نوجوانان، کار با آنها چطور است؟

کار کودک به نظر من بسیار سخت است. کار در این حوزه باید خیلی محکم باشد که بتواند، کودک را برای تماشا نگه دارد. کودک اصلاً شوخی ندارد. اگر کار نتواند او را جذب کند یک دفعه می‌بینید وسط کار، بلند می‌شود، حرف می‌زند و... اصلاً شوخی ندارد و به همین دلیل باید کار، کار استخوان‌داری باشد.

■ چه شد که غیرمنتظره را کار کردید؟

طی سال‌های گذشته، آموری باعث شد که از کار تئاتر کمی دور بمانم. همیشه هم می‌خواستم برگردم و کاری انجام بدهم اما ارضی نمی‌شدم با همان کارهای تکراری که همه انجام می‌دهند، (ضمن احترام به همه همکاران)، در تئاتر حضور مجدد داشته باشم. این شد که فکر کردم